

November 2, 2007

« بیانیه اعلام مواضع پیرامون جبهه چپ کارگری » (پریسا نصرآبادی , احسان صفار)

پس از همکاری چند ماهه و نسبتاً موفقیت آمیز رادیکال ترین نیروهای بدنه چپ جنبش دانشجویی در قالب «جبهه چپ رادیکال» و برگزاری حائز اهمیت و پیروزمندانه 16 آذر و 8 مارس 1385 ، گروهی از افراد با انتقاد نسبت به برخی سیاست ها و سبک کار جریان غالب جبهه چپ رادیکال و اعتراض به عدول این جریان از پرنسپ های فعالیت جبهه ای و طرح بحث اخراج کسانی که در برابر سیاست گزاری های کلی جریان غالب چپ رادیکال تمکین نمی کنند، اعلام خروج از جبهه چپ رادیکال نمودند ؛ و با توجه به اینکه جبهه چپ رادیکال عملاً به یک جریان واحد تقلیل یافته و گرایشات گوناگونی در بین معترضین موجود بود، اقدام به تشکیل جبهه چپ کارگری نمودند.

جبهه چپ کارگری که از لحاظ فرم ، به واسطه برتافتنه نشدن حضور برخی نیروها در قالب شبه فراکسیون درون جبهه چپ رادیکال ، در شرایط خاصی به موسسین آن تحمیل گردید، از ابتدا بر آن بود که ماهیت جبهه ای را رعایت نموده و با رفع انتقاداتی که به چپ رادیکال وارد می دانست، سطح فعالیت ها را چه در درون جنبش دانشجویی و چه در پیوند با دیگر جنبش های اجتماعی و به ویژه جنبش کارگری، به گونه ای کاملاً ارگانیک و با افق سوسیالیستی ارتقاء بخشد و به جای آنکه بر طبل افتراق بکوبد و بر اختلافات زاییده محفل گرای درون جنبش سوسیالیستی دامن زند، زمینه را برای اتحاد عمل جدی ترین و پیگیرترین نیروهای درون جنبش فراهم آورد.

اما آنچه در ارزیابی چند ماهه این جبهه بیش از همه جلب نظر می نماید ، بی پرنسپیی، نوعی اپورتونیزم و انحراف از اهداف اولیه تشکیل این جبهه است که توسط برخی افراد که خود را از رهبران!! و بنیان گزاران چپ کارگری نامیده اند صورت گرفته است و به دلیل ناپیگیری بودن و بی تفاوتی اغلب سایرین، با هیچ مقاومت و انتقادی مواجه نگردیده است.

حضور ناگهانی برخی افراد دارای تمایلات و تحرکات راست روانه و کاملاً خارج از مدار اصولیت کمونیستی، که ابداع انتقادی نسبت به گذشته نپذیرفتنی خود نموده بودند در این جبهه، اولین امتیاز منفی بود که آگاهانه و براساس مناسبات دوستانه، هم شهرانه (یا بهتر بگوییم قرابت های فرصت طلبانه بر سر برنامه های مشترک) توسط رهبران!! مذکور به این جبهه تعلق گرفت.

افراد مذکور با درج مقالات و اتخاذ مواضعی بدون هیچ گونه هماهنگی و اطلاع رسانی که عملاً موضع مجموعه چپ کارگری تلقی گردیده است _ اعتبار و سابقه مخدوش و بازیبنی نشده خود را در پس نظرگاه مشخص و پالوده برخی همکاران خویش در جبهه، و با بهره گیری از فضای ملتهب و آشفتنه حاکم بر مناسبات جنبش پنهان نمودند، و با آرزوی قلبی پیمودن چند ماهه ره چند ساله، رفتارهای افراطی از خود به نمایش گزاردند و عملاً موضع چپ کارگری را از حالت ایجابی به موضع سلبی (صرفاً علیه مواضع و استراتژی های جریان چپ رادیکال) تقلیل دادند که این انحرافی آشکار از اهداف جبهه بود.

هم چنین در شرایطی که دیگر اعضاء جبهه چپ کارگری بر طبق مسنولیت ووظایف محوله خود در جنبش کارگری ارتباطات گسترده ای را با محافل و کمیته های موجود رقم زده بودند، این افراد به گونه ای رقابت جویانه و پنهانکارانه اقدام به فعالیت و برقراری ارتباطاتی با گروه های موازی نمودند و به مثابه یک زانده، دنباله رو راست ترین جناح ها در برخی سندیکاها و کمیته هماهنگی (و مشخصاً طرفداران جریان لغو کارمزدی) گردیدند و درست همان کارویژه ای را که امثال حکیمی و جریان کمیک اش در جنبش کارگری ایفا می کنند را در بین جریانات دانشجویی بر عهده گرفتند.

یعنی علی رغم ژست ها و مدعاهای بعضاً فوق العاده رادیکال و با یدک کشیدن عنوان « کارگری»، عملاً به

هرچه قوی تر شدن صفوف رفرمیست ها و انحلال طلبان یاری رساندند.

خیالات خام و کودخانه ای که بیشتر از نوعی اعتماد به نفس کاذب و تحت تاثیر جو فی مابین ایشان نشات می گرفته است، تا بدانجا پیش رفت که این افراد ، با تصور نفوذ و ایجاد انشقاق در بین نیروهای سوسیال دموکرات و لغت لیبرال، با هدف جذب نیرو!! از میان آنان، عملا به سبب فقدان نظرگاه منسجم ، در دام رفرمیسم و سوسیال دموکراسی غلتیده و به دشمنی و کارشکنی علیه دیگر نیروهای رادیکال برخاستند.

ارتباطات منحط و پنهانکارانه با افراد و ارگان های معلوم الحالی که حتی به زور و ضرب هم جزئی از جنبش چپ و سوسیالیستی تلقی نمی کردند و بدنه جنبش نولیبرالی کنونی ایران را تقویت می کنند و اقدام به همکاری و فعالیت مشترک با هواداران و پس مانده های آخرین کمدی (یا بهتر بگوییم شیدای) فراکسیون بازان نا کام، سندرم جلسات و حلقه های متعدد با برخی مارکسیست های انقلابی!! نوظهوری که سیر دگرذیسی شان از هوچی گری به مارکسیسم مشکوک و در بهترین حالت مضحک می نماید و در نهایت، تلاشی مذبحخانه جهت هم گرا نمودن راست ترین گرایشات موجود در جنبش دانشجویی، کارگری و... از دیگر دستاوردهای این افراد به شمار می رود.

چندین مورد صدور بیانیه برخلاف توافقات اعضاء جبهه در باره محتوای بیانیه ، صدور بیانیه بدون هیچ گونه هماهنگی بر سر مسائل مشخص، اعلام انتلاف در صدور بیانیه با ارگان ها یا افراد مجهول الهویه خلاف توافقات درون جبهه و عملا سعی در پیشبرد برنامه ها و سیاست های محافل و جریاناتی بیرون از جبهه چپ کارگری که به گونه ای پنهانکارانه روابطی با آنان ترتیب داده شده بوده است، از دیگر موارد مذبح و خارج از پرنسیپ های فعالیت جبهه ای است که توسط این افراد صورت پذیرفته است.

تشکیل جبهه چپ کارگری اگرچه سکوی پرتاب و اشتها بر برخی افراد گردید و انتظار می رفت که اینان خود را در قبال این امر مسنول و پیگیر بدانند و به مثابه کمونیست هایی صادق در موقعیت حساس کنونی ایفاء نقش نمایند، اما جاه طلبی افراطی و رقابت جویی های شخصی ایشان غلبه داشته و موجبات کژروی و انحراف از معیار برخی افراد این جبهه را فراهم آورده است.

از این جهت ما به عنوان پایه های اصلی تشکیل این جبهه، در این برهه بسیار ضروری و خود را مسنول می دانیم که نسبت به این انحرافات آشکار که کماکان تداوم دارد _ به دیگر رفقا هشدار داده و با در نظر داشتن بی توجهی آگاهانه افراد مذکور به تذکرات جهت اصلاح رویه اکیدا نامطلوب و خارج از اصولیت کمونیستی رهبران !! نامبرده و نیز عمق و شدت این انحرافات و زیر پا نهادن خطوط قرمز ، پروژه چپ کارگری را خاتمه یافته تلقی و اعلام نماییم.

امضاء:

پریسا نصرآبادی

احسان صفار